

دیدگاه شیخ امین الاسلام طبرسی در مورد قرائات*

نجمیه گراوند** و مهدی اکبرنژاد*** و محمدرضا حسینی نیا****

چکیده

اختلاف قرائت از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین علوم قرآنی به شمار می‌آید که دانشمندان علوم اسلامی، همواره و در طول تاریخ اسلام، اختلاف نظرهای بسیاری در رابطه با انواع آن داشته‌اند. شماری از آنان سعی کرده‌اند، قرائات را در هفت دسته محصور نمایند. از جمله دیدگاه‌هایی که اختلاف قرائات را به هفت دسته تقسیم کرده‌اند؛ اما در نوع دسته‌بندی با یکدیگر متفاوتند، دیدگاه امین الاسلام طبرسی و دیدگاه امام ابوالفضل رازی است. پژوهش حاضر در صدد است تا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی - تحلیلی، علاوه بر بیان دیدگاه هر دو دانشمند در این باره، با ارائه یک چارچوب در تقسیم‌بندی انواع، به مقایسه هر دو دیدگاه بپردازد و از این منظر شناختی کامل و همه‌جانبه را نسبت به انواع اختلاف قرائت‌ها حاصل نماید. یافته‌های این پژوهش علاوه بر ارائه تقسیم‌بندی مناسب‌تر و جامع‌تری از انواع اختلاف قرائات، بدین نکته دست یافت که مهم‌ترین تفاوت دیدگاه طبرسی با دیدگاه امام ابوالفضل رازی، در اختلاف لهجه، تداخل انواع تقسیم‌بندی شده، و نیز در توجه و عدم توجه به معناست.

واژگان کلیدی: اختلاف قرائت، طبرسی، انواع اختلاف قرائت، امام ابوالفضل رازی، اختلاف لهجه.

*. تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۷ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۴/۱۳.

**. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام - نویسنده مسئول (Na_geravand@yahoo.com).

***. دانشیار دانشگاه ایلام (M.akbarnezhad@ilam.ac.ir).

****. استادیار دانشگاه ایلام (Mohhos313@yahoo.com).

درآمد

علم قرائت قرآن، مبنای بسیاری از علوم دیگر قرآن کریم محسوب می‌شود. تعداد اختلاف قرائات طبق ثبت التیسیر فی قراءات السبع نوشته دانی (م ۴۴۴ ق) در حدود ۱۱۰۰ مورد - مهم و غیر مهم - است و بیش از دوسوم آن‌ها به ادغام و ضمیر یا صیغه حاضر و غایب، مانند: فرق «یعلمون و تعلمون» و امثال آن مربوط می‌شود (خرمشاهی، قرآن شناخت، بی تا: ۹۷). و نویسندگان معجم القرائات القرآنیة که موارد اختلاف قرائات را در کل قرآن کریم به ثبت رسانده‌اند، ۱۰۲۴۳ مورد اختلاف را ذکر می‌کنند؛ که بخش اعظم آن به ادغام یا عدم ادغام، اماله و جزئیات تجویدی و بحث وقف و ابتدا مربوط می‌شود (به نقل از عظیم زاده، نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی، ۱۳۸۰: ۹۴).

بین ائمه قرای پیشین و متأخر نسبت به انواع اختلاف قرائت‌ها، اختلاف نظر وجود دارد. شماری از مولفان کوشش کرده‌اند که این اختلافات را در هفت نوع، معنا کنند؛ اما برخی نیز معتقدند که انواع اختلاف قرائت‌ها، بیش از حدّ شمارش است، از جمله آن‌هاست: اختلاف در حرکات از نظر اعراب و بناء، تقدیم و تأخیر، زیادت و نقصان، مد و قصر، تحفیف و تشدید، ترقیق و تفخیم، اخفاء و اظهار، فک و ادغام، اماله و روم و اشمام به انواع مختلف، و جز این‌ها که کتاب‌های قرائت به تفصیل به ذکر آن‌ها پرداخته است (طاهری، درس‌هایی از علوم قرآنی، ۱۳۷۷: ۴۰۱/۱؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۷۴: ۹۸/۲).

در میان اندیشمندانی، که تقسیم‌بندی هفت گانه را برای انواع اختلاف قرائت انتخاب کرده‌اند، امین الاسلام طبرسی^[۱] و امام ابوالفضل رازی^[۲] به چشم می‌خورد. نیز در بین اندیشمندان دینی، نظر برخی همچون ابن جزری متوفای ۸۳۳ق (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی تا: ۳۰-۲۶/۱)، زرکشی متوفای ۷۹۴ق (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۴۸۳-۴۸۶) و ابن قتیبه متوفای ۲۷۶ق (ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، ۱۹۵۴: ۳۶-۳۸)، با نظر طبرسی همسو و بسیار شبیه‌اند. با این وجود دیدگاه امین الاسلام طبرسی با دیدگاه برخی اندیشمندان قبل و بعد از خود، متفاوت است. از جمله دانشمندان علوم دینی قبل از وی، امام ابوالفضل رازی (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۷۴: ۱۴۰/۲؛ مودب، نزول قرآن و رویای هفت حرف، ۱۳۷۸: ۱۳۶؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۳۸۰: ۱۷۱/۱) و ابو غانم بن حمدان (پارچه‌باف دولتی، تحلیل و بررسی تقسیم‌بندی‌های ارائه شده در قرائات

قرآن کریم، ۱۳۹۱: ۲/۲۳) است. و از پژوهشگران پس از وی، که در مورد انواع اختلاف قرائت‌ها، دیدگاه‌های متفاوتی دارند، می‌توان به صبحی صالح (جوان آراسته، درسنامه علوم قرآنی، ۱۳۸۰: ۲۷۲) اشاره نمود.

آنچه که در این نوشتار مدنظر است؛ بررسی دیدگاه شیخ طبرسی درباره انواع اختلاف قرائت‌ها و مقایسه آن با دیدگاه ابوالفضل رازی است؛ تا بدین طریق تجزیه و تحلیل درستی از انواع اختلاف قرائت به دست آید. و در آخر به یک دسته‌بندی منطقی‌تر و صحیح‌تر دست یابیم. بنابراین در ابتدا دیدگاه این دو دانشمند را ذکر نموده و سپس به تجزیه و تحلیل و بیان نقاط ضعف و قوت هریک اشاره می‌نماییم:

دیدگاه طبرسی درباره انواع اختلاف قرائت‌ها

اختلاف قرائت‌ها از دیدگاه طبرسی، بر هفت صورت تصور می‌شود:

۱. اختلاف در اعراب کلمات

که تفاوتی در صورت نوشتن و معنای آن‌ها پدید نمی‌آورد؛ مانند کلمه «فیضاعفه» در آیه ۲۴۵ سوره بقره؛ که فاء را به رفع یا نصب خوانده‌اند؛ ولی در هر حال صورت و معنا تفاوت نمی‌کند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۰: ۱/۱۹).

شیخ طبرسی علاوه بر مقدمه تفسیر خود، در لابه لای آیات دیگر، به معرفی و مشخص نمودن انواع اختلاف قرائت‌ها پرداخته است؛ از جمله در موارد زیر؛ که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَعْتَدُوا﴾ (مائده / ۲)؛ «و البته نباید کینه‌توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، شما را به تعدی وادارد».

طبرسی در تفسیر مجمع البیان، اختلاف قرائت درباره لفظ «شَنَاٰن» را از نوع اختلاف در اعراب که تفاوتی در معنا ایجاد نمی‌کند، می‌داند. و می‌نویسد: نافع به روایت اسماعیل و ابن عامر و ابو بکر، «شَنَاٰن» را به سکونِ نونِ اول خوانده‌اند. باقی قاریان به فتح نون خوانده‌اند. فتح نون، بنا بر این است که مصدر و بر وزن ضربان و غلیان است. و سکون نون نیز بنا بر این است که برخی از مصدرها بر این وزن هستند. مثل: لیان. سپس اضافه می‌کند که: کلمه به سکون نون و ثانیاً با انتقال فتحه به نون و حذف همزه - که طبق قاعده است - وارد شده است. در هر صورت، این اختلاف قرائت، موجب اختلاف معنی نیست (همان، ۱۸۶/۶). بر طبق مثال فوق، برخی از اختلاف در اعراب در هیئت و شکل کلمه و نیز در معنای آن تفاوتی ایجاد نمی‌کنند و همین امر یکی از موارد اختلاف قرائات از دیدگاه طبرسی به شمار می‌رود.

۲. اختلاف در اعراب که باعث تغییر معنا می‌گردد؛ نه صورت

در این نوع، اختلاف قرائت موجب تغییر اعراب کلمه می‌گردد؛ یعنی موجب تغییر کارکرد آن در ترکیب یا حرکات بنایی آن. یعنی ساختار صرفی آن؛ به طوری که به کلمه دیگری تبدیل می‌شود و معنای متفاوتی هم، علی‌رغم اختلاف در شکل کتابت؛ یعنی رمزهای نوشتاری، پیدا خواهد کرد. معنای لفظ در این جا تغییر خواهد کرد، چون لفظ تغییر کرده است؛ اما ارزش معنایی تغییر نکرده است (العوا، بررسی زبان شناختی وجوه و نظایر در قرآن، ۱۳۸۲: ۱/۲۰۴).

بنابراین گاهی برخی از اختلاف قرائت‌هایی که در اعراب کلمه، تغییراتی پدید آورده‌اند، سبب اختلاف و تغییر معنای کلمه می‌گردند، بی‌آنکه در شکل و صورت اصلی کلمه تغییری ایجاد کنند. همانند مثال‌های زیر که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ (انعام/۸۳)؛ «و آن حجت ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم، درجات هر کس را که بخواهیم فرا می‌بریم، زیرا پروردگار تو حکیم داناست».

در این آیه، اختلاف قرائت از نوع اختلاف در اعراب کلمه «دَرَجَاتٍ» است؛ که طبق فرموده شیخ طبرسی، اهل کوفه و یعقوب این کلمه را به تنوین و دیگران بدون تنوین قرائت کرده‌اند. قرائت اول به این معناست که آنچه بالا برده می‌شود، صاحبان درجاستند. و قرائت دوم به این معناست که آنچه بالا برده می‌شود، خود درجات است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۶۰: ۸/۱۶۹). بنابراین، اختلاف از نوع اختلاف در اعراب که سبب تغییر معنا گردیده است، می‌باشد.

۳. اختلاف در حروف کلمات؛ که معنا را تغییر می‌دهد، ولی صورت هم چنان محفوظ است

مانند قرائت «كَيْفَ نُنَشِّرُهَا - یا - كيف ننشرها» (همان، ۱۹/۱)؛ در آیه شریفه: ﴿وَأَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنَشِّرُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره/۲۵۹)؛ «و به [این] استخوان‌ها بنگر، چگونه آن‌ها را برداشته به هم پیوند می‌دهیم. سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم». پس هنگامی که [چگونگی زنده ساختن مرده] برای او آشکار شد، گفت: «[اکنون] می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست».

ناگفته پیداست که اختلاف در حروف کلمه فوق، تغییری در صورت اصلی کلمه ایجاد نمی‌کند؛ اما معنای آن به صورت زیر دگرگون و تغییر می‌یابد.

نُنَشِّرُهَا یعنی: ما آن‌ها را جمع خواهیم کرد. و ننشرها؛ یعنی: دوباره آن‌ها را زنده می‌کنیم (بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۳۷۴: ۲۳۳). در این مثال، هم حروف کلمه تغییر پیدا کرده است و هم معنای آن، اما در شکل نوشتاری تغییری پدیدار نشده است.

۴. اختلاف حروف؛ که باعث تغییر صورت است؛ نه معنا

مانند آیه کریمه:

﴿إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً﴾ (یس / ۲۹)؛ «تنها یک فریاد بود و بس».

که به صورت «إِلَّا زَقِيَّةً وَاحِدَةً» (نبود جز یک صیحه) نیز قرائت شده است. از قول طبرسی صیحه و زقیه هر دو به یک معنا می‌باشند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۶۰: ۱/۲۰). نمونه دیگری از اختلاف حروف که در معنا تغییر ایجاد نکرده است؛ اما صورت آن را دگرگون کرده است، عبارت است از این که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعُمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِرِزْقِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءٌ عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُرُونَ﴾ (انعام / ۱۳۸)؛ «و به زعم خودشان گفتند: «این‌ها دام‌ها و کشتزار [های] ممنوع است، که جز کسی که ما بخواهیم نباید از آن بخورد، و دام‌هایی است که [سوار شدن بر] پشت آن‌ها حرام شده است». و دام‌هایی [داشتند] که [هنگام ذبح] نام خدا را بر آن [ها] نمی‌بردند به صرف افترا بر [خدا] به زودی [خدا] آنان را به خاطر آن چه افترا می‌بستند جزا می‌دهد.

طبرسی می‌نویسد: قراء غیر مشهور، کلمه «حِجْرٌ» را به صورت «حرج» خوانده‌اند و ممکن است از لحاظ معنا تفاوتی میان آن‌ها نباشد و حِجْرٌ در معنای زیر به کار رفته است: حرام، عقل و منع. حِجْرٌ قاضی؛ یعنی: منع قاضی. حِجْرٌ زن؛ یعنی: نگهداری او (همان، ۲۹۰: ۸/۲۹۰). در این آیه، حروف راء و جیم، جابه‌جا شده‌اند و در صورت آن تغییر ایجاد شده است؛ اما طبق گفته شیخ طبرسی؛ ممکن است از لحاظ معنا، تفاوتی میان آن دو نباشد.

۵. اختلاف کلمه؛ که صورت و معنا را تغییر می‌دهد

در مقدمه تفسیر مجمع البیان، برای این نوع اختلاف قرائت مثال زیر آمده است: قرائت «طلع منصود» که به صورت «طلع منصود» نیز وارد شده است (همان، ۲۰: ۱/۲۰).

۶. اختلاف در تقدیم و تأخیر کلمات

مانند آیه شریفه:

﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ﴾ (ق / ۱۹)؛ «و سكرات مرگ، حقیقت را [به پیش] آورد این

همان است که از آن می‌گریختی!».

که به صورت «و جاءت سكرة الحق بالموت» نیز قرائت شده است (همان).

۷. اختلاف در زیاده و نقصان کلمات

مانند قرائت آیه شریفه:

﴿وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ﴾ (یس/ ۳۵)؛ «تا از میوه آن و [از] کارکرد دستهای خودشان بخورند».

که «و ما عملت ایدیهم» نیز قرائت شده است. همان طور که مشهود است در عبارت دوم،

ضمیر «ه» نیامده است.

طبرسی از شیخ طوسی نقل می‌کند که وی می‌گوید: وجه دوم زیباتر و بهتر است؛ زیرا از

ائمه علیهم‌السلام وارد شده است که در مورد اختلاف قرائت هر کدام را می‌توان خواند (همان، ۱/ ۲۰).

دیدگاه ابوالفضل رازی

امام ابوالفضل رازی از جمله قاریان به نامی است که به دسته بندی انواع اختلاف قرائت‌ها پرداخته است (طاهری، درس‌هایی از علوم قرآنی، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۸۰)؛ ایشان نیز به نحوی تلاش کرده است که انواع اختلاف قرائت‌ها را به هفت نوع، منحصر کند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۷۴: ۲/ ۱۴۰).

از منظر ابوالفضل رازی نیز، اختلاف قرائت‌ها در هفت نوع، تقسیم‌بندی می‌شوند (خویی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ۱۳۸۲: ۲۸۲؛ مودب، نزول قرآن و روایات هفت حرف، ۱۳۷۸: ۱۳۶؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۷۱)؛ اما دیدگاه ابوالفضل رازی در نحوه تقسیم‌بندی با دیدگاه طبرسی تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد. زرقانی در مناهل العرفان نظریه «ابوالفضل رازی» را بر دیگران ترجیح داده است (الزرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱۴۱۷: ۱/ ۱۵۶). وی یادآور می‌شود که: «سخن رازی با مثال همراه نیست. بنابراین، ما برای هر مورد از وجوه هفتگانه مثالی ارائه می‌کنیم» (زرقانی، ترجمه مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱۳۸۵: ۱۸۱). با این بیان؛ انواع اختلاف قرائت از سوی ابوالفضل رازی و مورد تایید زرقانی است؛ اما مثال‌ها از سوی زرقانی آمده است.

انواع اختلاف قرائت از دیدگاه ابوالفضل رازی عبارتند از:

۱۵۸ ۱. اختلاف اسماء

در مفرد و مثنی و جمع و مذکر و مؤنث و مبالغه و نظایر این‌ها، به عنوان نمونه آیه شریفه:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾ (مؤمنون/ ۸)؛ «و کسانی که امانت‌ها و عهدشان

را مراعات می‌کنند».

این آیه به جمع لأماناتهم و افراد لأمانتهم هر دو قرائت شده است (همان، ۱۸۲).

۲. اختلاف در افعال

مثل ماضی، مضارع، امر؛ و اسناد فعل به مذکر و مؤنث؛ و متکلم و مخاطب؛ و فاعل و مفعول به؛ به عنوان نمونه آیه:

﴿قَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا﴾ (سبأ/ ۱۹)؛ «و گفتند: ای پروردگار ما، منزلگاه‌های ما را از هم دور گردان».

بنابر آن که لفظ ربنا منادا باشد و بَاعِدْ به عنوان فعل امر و به عبارت بهتر فعل دعا شمرده شود، به نصب خوانده شده است؛ هم‌چنان که به صورت «رَبَّنَا بَعْدَ...» رفع رب به عنوان مبتدا و فعل ماضی بَعْدَ به عنوان جمله خبریه قرائت شده است (همان، ۱۸۲ و ۱۸۳).

۳. اختلاف در اقسام اعراب. مثل آیه

﴿إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ﴾ (بقره/ ۲۸۲)؛ «و چون معامله‌ای کنید، شاهی نگیرید. و نباید به کاتب و شاهد زیانی برسد».

«لَا يُضَارَّ» هم به فتح راء و هم به رفع آن قرائت شده است. فتح، بنابر آن که لا ناهیه باشد؛ که در این صورت فعل بعد از آن مجزوم می‌شود، و حرف راء به دلیل ادغام دو حرف متماثل فتحه می‌گیرد. اما قرائت به رفع یضار بنا بر آن که لا نافی باشد؛ زیرا فتح بعد از «لای» نافیه مرفوع است. و نظیر آن آیه شریفه ﴿ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ﴾ (بروج/ ۱۵) است که در آن لفظ «المجید» بنا بر آن که صفت اسم «ذو» باشد به رفع، و بنابر آن که صفت کلمه «العرش» باشد به جر قرائت شده است. در این وجه، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، فرقی نمی‌کند که وجوه اختلاف اعراب در اسم باشد یا فعل (همان، ۱۸۳).

۴. اختلاف در زیاده و نقصان

مانند آیه:

﴿وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى﴾ (لیل/ ۳)؛ «و سوگند به آن که نر و ماده را بیافرید».

که با حذف کلمه «ما خلق» به صورت «و الذکر و الأنثی» نیز قرائت شده است (همان، ۱۸۳).

۵. اختلاف در تقدیم و تأخیر

نظیر آیه شریفه:

﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ﴾ (ق/ ۱۹)؛ «به راستی که بیهوشی مرگ فرا می‌رسد».

که به صورت «و جاءت سكرة الحق بالموت» نیز قرائت شده است (همان، ۱۸۳).

۶. اختلاف در قلب و تبدیل از یک کلمه به کلمه دیگر و از یک حرف به حرف دیگر

مثل لفظ ننشزها (با زاء) در آیه

﴿وَأَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِرُهَا﴾ (بقره ۲۵۹)؛ «بنگر که استخوان‌ها را چگونه به هم

می‌پیوندیم».

که با راء نیز قرائت شده است.

هم‌چنین کلمه طُلُح در آیه:

﴿وَطُلُحٍ مَنْصُودٍ﴾ (واقعه ۲۹)؛ «و درخت موزی که میوه‌اش بر یکدیگر چیده شده».

که «طلح» نیز خوانده شده است. بنابراین، در اختلاف به ابدال فرقی میان اسم و فعل

نیست (همان، ۱۸۳).

۷. اختلاف لغات یا لهجه‌ها؛ مانند: فتح و اماله، ترقیق، تفخیم، تحقیق، تسهیل، ادغام، اظهار و امثال این‌ها

مثلاً در آیه

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى﴾ (طه/ ۹)؛ «آیا خبر موسی به تو رسیده است؟».

الفاظ «أتی» و «موسی» به فتح و اماله نیز قرائت شده است. همچنین در عبارت ﴿بَلَى

قَادِرِينَ...﴾ (قیامت/ ۴) حرف «بلی» به فتح و اماله قرائت شده است. بنابراین در این وجه نیز

تفاوتی میان اسم و فعل و حرف نیست (همان، ۱۸۴).

بررسی

دو دیدگاه در مسائلی که به نظر می‌رسد در حیطه اختلاف قرائات بسیار مهم هستند، با

یکدیگر در اختلافند. بنا براین در بیان موارد اختلافی، ذکر نکات ذیل ضروری است.

۱. اختلاف لهجه

یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در تقسیم‌بندی انواع اختلاف قرائت، به شمار آوردن اختلاف

لهجه‌ها در دسته‌بندی‌هاست. همان‌طور که گفته شد، شیخ طبرسی در گروه‌بندی خود،

اختلاف لهجه را جزو انواع اختلاف قرائت‌ها به شمار نیاورده است؛ اما صریحاً در تقسیم‌بندی

رازی، اختلاف لهجه، جزو اصلی‌ترین و اساسی‌ترین، نوع از انواع اختلاف قرائت محسوب

شده است.

به نظر می‌رسد در مورد اختلاف لهجه‌ها، دیدگاه طبرسی، به دلایل زیر قابل قبول‌تر و

صحیح‌تر باشد:

- اختلاف قرائت در واقع اختلاف در اعراب کلمات می‌باشد و با اختلاف لهجه فرق می‌کند؛ زیرا ممکن است کسی در اثر داشتن لهجه نتواند یک اعراب را همانند یک عرب‌زبان ادا کند که در حقیقت می‌خواهد همان قرائت و اعراب اصلی را تلفظ نماید، لیکن زبان او انعطاف ندارد و قادر نیست اعراب اصلی را واضح تلفظ کند. بنابراین، این تلفظ در اثر لهجه است، تفاوت در قرائت نیست؛ لذا در زمان رسول الله ﷺ هم چنین چیزی وجود داشت و حضرت این گونه تفاوت‌ها را مردود نمی‌دانستند، چه بسا تأیید هم می‌نمودند. به عبارت دیگر لهجه مجموعه‌ای از صفات زبانی است که به محیطی خاص وابسته است و همه افراد این محیط در این صفات مشترکند و زبان مجموعه‌ای از این لهجه‌هاست (محیسن، القرائات و اثرها فی علوم العربیه، ۱۴۱۸: ۷۹). بنابراین منظور از اختلاف لهجه؛ توانایی آدمی بر سخن گفتن بر لغات گوناگون و سخن گفتن به وسیله لغات و واژه‌ها نیست (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۷۴: ۲۵۶)؛ بلکه اختلاف در گویش کلمات است.

- نکته دیگر اینکه اگرچه موارد اختلاف لهجه‌ای از قبیل: ادغام، اظهار، تفعیم، ترقیق، اماله، اشباع، مدّ، قصر، تشدید، تخفیف، تلین، و تحقیق، مربوط به چگونگی تلاوت کردن آیات قرآن کریم است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۳۸۰: ۱/۱۷۱)؛ اما اختلاف در ادغام، اظهار، روم، اشمام، تخفیف، مدّ، قصر، فتح، ابدال و تسهیل که از آن‌ها به «اصول» تعبیر می‌شود، از مواردی نیستند که لفظ و معنا در آن‌ها متنوع و متعدد شود. این صفات و خصوصیات که تنوع در تلفظ و ادای آن‌ها وجود دارد، آن‌ها را از «لفظ واحد» بودن خارج نمی‌سازد؛ تا بتوانیم آن‌ها را در ردیف اختلاف در کلمه و حرف محسوب بداریم (خوئی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ۱۳۸۲: ۲۴۵؛ ابن جزری، النشر فی العقرائات العشر، بی‌تا: ۱/۲۶ و ۲۷؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۷۴: ۱۱۰/۲ و ۱۱۱؛ الزرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱۴۱۷: ۱/۱۵۹ و ۱۶۰). و به تبع آن در شمار انواع اختلاف قرائت قرار گیرد.

- در حقیقت آن چه ابوالفضل رازی، و برخی دیگر از دانشمندان، در تقسیم خود انجام داده‌اند، تلاش در این جهت بوده که «اصول قرائات» را، که بیش‌ترین ارتباط با تفاوت لهجه‌های عرب دارند، در تقسیم خود بگنجانند؛ زیرا غالباً تفاوت لهجه‌ها در چنین مواردی آشکار می‌گردند (جوان آراسته، درسنامه علوم قرآن، ۱۳۸۰: ۲۷۱). در صورتی که قرآن کریم به زبان عربی و در اصل به لهجه قریش نازل شده که قوم رسول اکرم ﷺ و دارای فصیح‌ترین لهجه بودند. و این که اختلاف قرائات به لهجه‌های عرب مربوط می‌شود، صحیح نیست (عمر، معجم القرائات القرآنیة، ۱۹۹۷: ۱/۷۲).

- لازم به یادآوری است که اگرچه در تقسیم بندی طبرسی درباره انواع اختلاف قرائت ها، از اشباع، مد، ترقیق، تفخیم، اماله و ... که از موارد اختلاف لهجه هاست، سخنی به میان نیامده است؛ اما این مورد دلیلی بر عدم توجه شیخ طبرسی به مسئله اختلاف لهجه ها نمی باشد؛ و دلیل بر این مدعا نیز در لابه لای تفسیر مجمع البیان موجود است. و شیخ طبرسی ضمن شرح برخی از آیات، به این امور پرداخته است. از جمله این که:

در تفسیر مجمع البیان ضمن شرح تفاوت قرائت ها آمده: «لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/ ۲) به صورت «لا ریب فیہی» به اشباع خوانده شده است.

طبرسی می نویسد: ابن کثیر «فیہی هدی» قرائت کرده است و در لفظ، هاء را به یاء وصل نموده و نیز این چنین است هر هائی که قبل از آن یاء ساکن باشد. پس اگر قبل از هاء، حرف ساکنی غیر از یاء وجود داشته باشد، آن به واسطه واو وصل می گردد. و حفص نیز با این قول موافق است در آن جا که «فیہی مہانا» قرائت کرده است. و مانند نظر قتیبه در قولش؛ «فملاقیه» و «سأصلیه» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۱۶).^[۳]

با این بیان به نظر می رسد که ایشان به مسئله اختلاف لهجه ها توجه ویژه داشته اند؛ اما از دیدگاه ایشان، این اختلافات در زیر مجموعه انواع اختلاف قرائت ها جای نمی گیرند. و این نکته مهمی است که در دیدگاه ابوالفضل رازی و برخی دیگر از قرآن پژوهان، به عنوان نوعی از انواع اختلاف قرائت دیده می شود.

به عبارت دیگر؛ طبرسی و هم فکران وی، همگی وجه اختلاف ناشی از لهجه های متفاوت را گرچه در مقام اظهار نظر، امری مجاز شمرده اند؛ ولی این واقعیت را که چنین وجه اختلافی عملاً در قرائت ها وجود دارد نادیده گرفته اند (صبحی صالح، پژوهش هایی درباره قرآن و وحی، ۱۳۷۴: ۱۷۱). به عبارت دیگر؛ وجود اختلاف لهجه را در برخی آیات قرآن تأیید نموده اند؛ اما با علم به آن، اختلاف لهجه را از مصادیق اختلاف قرائت به شمار نیاورده اند.

۱۶۲ ۲. تداخل برخی انواع

- از جمله موارد دیگری که در تقسیم بندی ابوالفضل رازی باید مورد نقد قرار گیرد، این است که هفت وجه یاد شده در برخی جاها با یکدیگر تداخل دارند. زیرا اختلاف اسماء و افعال، خود یک وجه به حساب می آید (مودب، نزول قرآن و رویای هفت حرف، ۱۳۷۸: ۱۳۶). و اختلاف در اسماء و افعال که در این نظریه، دو نوع محسوب شده است، هر دو از یک

باب، یعنی اختلاف در هیئت است. بنابراین، آن‌ها را دو قسم به حساب آوردن و در مقابل هم قرار دادن، مفهومی ندارد و با این حساب اقسام اختلاف بیش از شش جهت نخواهد بود (خوئی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ۱۳۸۲: ۲۴۵). در حالی که در تقسیم بندی طبرسی، تقسیمات بر حسب تغییر در حروف، حرکات و کلمات است. و بین افعال و اسماء تفکیکی قائل نشده است.

- زرقانی در مناهل العرفان، دیدگاه ابوالفضل رازی را در باب انواع اختلاف قرائت، بر مذهب ابن ابی الخیر بن الجری، قاضی ابوبکر بن الطیب باقلانی و شیخ طبرسی ترجیح داده است (الزرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱۴۱۷: ۱/ ۱۵۶). نقص دیدگاه ابوالفضل رازی در این است که وی در کتاب «اللوائح» هیچ اشاره‌ای به اختلاف ناشی از حروف مانند «یعلمون» و «تعلمون» نکرده؛ و این وجه اختلاف در هیچ‌کدام از شش وجه اختلاف دیگر که وی ذکر کرده نیست. و دیگر این‌که وی اختلافی را که از صرف افعال ماضی و مضارع و امر در اداء کلمات ناشی می‌شود یک وجه مستقل به شمار آورده؛ در حالی که این وجه را باید داخل در وجه اختلاف ناشی از اعراب بدانیم؛ نه یک وجه مستقل (صبحی صالح، پژوهش‌هایی درباره قرآن و وحی، ۱۳۷۴: ۱۷۱).

۳. توجه به تغییر معنا و یا عدم توجه به آن

- برخی همچون آیت الله خویی بر این باورند که تغییر معنا و عدم تغییر آن را باید تنها یک وجه حساب کنیم؛ زیرا در این دو صورت ظاهر و شکل کلمه عوض می‌شود، خواه معنای آن تغییر بیابد و یا تغییر نکند، تفاوتی نخواهد داشت. و قرائت را دو گونه و دو رقم نمی‌سازد، چون در اختلاف قرائت‌ها تنها لفظ مورد نظر می‌باشد، نه معنا. این است که باید این دو قسم قرائت یک قسم حساب گردد و در این صورت هم وجوه هفت‌گانه اختلاف قرائت‌ها تقلیل می‌یابد (خویی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ۱۳۸۲: ۲۴۳). برخی همچون ابوالفضل رازی در تقسیم بندی‌های خود، هیچ اسمی از اختلاف در معنا یا عدم آن به میان نیاورده اند؛ و فقط به لفظ توجه داشته‌اند؛ اما توجه به تغییر و یا عدم تغییر در معنا، در تقسیم بندی طبرسی کاملاً محسوس است؛ تا آن‌جایی که علی‌الظاهر در پنج نوع از انواع اختلاف قرائت از دیدگاه وی، این نگاه قابل مشاهده است. و به عبارتی، دیدگاه طبرسی را نمی‌توان بدون توجه به معانی در نظر گرفت. علاوه بر این، وی هرکدام از این تغییرات معنایی و یا عدم آن را مربوط به تغییر اعراب، حروف و کلمات به صورت مجزا دانسته است.

نتیجه

شیخ طبرسی در مقدمه مجمع البیان با صراحت، اختلاف قرائات را به هفت نوع تقسیم نموده است. در تقسیم بندی وی، نکات قابل ملاحظه‌ای جای گرفته است؛ که در واقع بدون آن‌ها اختلاف قرائت‌ها کامل نخواهد بود. دسته بندی وی شامل: اختلاف در حرکات، حروف و کلمات است؛ که در هر کدام از آن‌ها به تغییرات معنایی و عدم تغییرات در معنا توجه شده است. علاوه بر این، افزایش یا کاهش عبارات، تقدیم و تاخیر در کلمه نیز از انواع اختلاف قرائت از دیدگاه طبرسی محسوب می‌شوند.

دیدگاه طبرسی با دیدگاه کسانی همچون ابن قتیبه، ابن جزری و زرکشی کاملاً همسو و موافق است. اما این دیدگاه علاوه بر نکات اشتراکی که با برخی دیگر از قرآن پژوهان همچون ابوالفضل رازی، غانم ابن حمدان و صبحی صالح دارند، دارای اختلافات اساسی و بسیار مهم است. مهم‌ترین تفاوت دیدگاه طبرسی با دیدگاه ابوالفضل رازی، در اختلاف لهجه، تداخل انواع تقسیم‌بندی شده، و نیز در توجه و عدم توجه به معناست.

امین الاسلام طبرسی ضمن توجه کامل و بیان اختلافات لهجه‌ای در لایه لای تفسیر مجمع البیان، اختلاف لهجه را از انواع اختلاف قرائت به حساب نیاورده است؛ حال آن‌که در دیدگاه ابوالفضل رازی، اختلاف لهجه از مهم‌ترین انواع اختلاف قرائت‌ها به شمار آمده است.

در تقسیم بندی‌های ارائه شده از انواع اختلاف قرائت از سوی ابوالفضل رازی، تداخل‌هایی به چشم می‌خورد؛ که این تداخلات، محصور بودن آن را به هفت نوع تحت شعاع قرار می‌دهد. تفاوت دیگر دیدگاه طبرسی با دیدگاه ابوالفضل رازی، در توجه شیخ طبرسی به معنا و در نظر گرفتن تغییرات معنایی در تقسیم‌بندی‌هاست.

با این وصف، برای ارائه یک تقسیم‌بندی جامع و کامل از انواع اختلاف قرائت‌ها، تقسیم‌بندی زیر پیشنهاد می‌گردد:

انواع اختلاف قرائات

- ۱- اختلاف در هیئت کلمه
 - (۱) همراه با تغییر معنا
 - (۲) عدم تغییر در معنا
- ۲- اختلاف در اعراب
- ۳- اختلاف در افزایش و کاهش کلمات
- ۴- اختلاف در قلب حروف
- ۵- اختلاف در تقدیم و تأخیر

پی‌نوشت‌ها

- [۱] امین الاسلام، ابو علی فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ق) از علمای قرن ششم هجری و صاحب تفسیر ارزشمند «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، شخصیت عالی‌قدری که ثقه است (مودب، ۱۳۷۹، ص ۵۸؛ حلبی، ۱۳۷۴، ص ۶۴).
- [۲] عبد الرحمن بن محدث احمد بن الحسن بن بندار عجلی، رازی، ابو الفضل (۳۷۱-۴۵۴ق) عالم قرائت به شمار می‌رود (سیر اعلام النبلا، محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، ۱۸: ۱۳۵).
- [۳] از دیگر موارد در این باره می‌توان به آدرس: (طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۰: ۱۲۷/۲۱). مراجعه نمود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمد مهدی، تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القرائات العشر، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۳. ابن خالویه، ابو عبدالله حسین بن احمد، اعراب القراءات السبع و عللها، محقق: عبدالرحمن بن سلیمان عثیمین، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن قتیبہ دینوری، تأویل مشکل القرآن، به تحقیق: أحمد صقر، قاهره: دار التراث القاهره، چاپ دوم، ۱۹۵۴م.
۵. الابیاری، ابراهیم، تاریخ القرآن، قاهره: دارالکتب المصری/ بیروت: دارالکتب اللبنانی، چاپ سوم، ۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۱م.
۶. ابو شامه مقدسی، شهاب الدین عبدالرحمن بن اسماعیل، المرشد الوجیز ال علوم تتعلق بالکتب العزیز، محقق: طیار آلتی قولاج، بیروت: دار صار، ۱۳۹۵ق.
۷. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه: محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
۸. پارچه باف دولتی، کریم و محمدباقر حجتی و محمد علی ایازی، تحلیل و بررسی تقسیم بندی های ارایه شده در قرائات قرآن کریم، مجله پژوهش های قرآن و حدیث، سال چهل و پنجم، شماره دوم، ۱۳۹۱.
۹. جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، قم: بوستان کتاب قم، چاپ ششم، ۱۳۸۰ش.
۱۰. الحمد، غانم قدوری، ترجمه رسم الخط مصحف، ترجمه: یعقوب جعفری، قم: اسوه، ۱۳۷۶.
۱۱. خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن شناخت، تهران: بی نا، بی تا.
۱۲. خوئی، ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، تحقیق: نجمی هاشم زاده هریسی، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۸۲ش.

۱۳. الدانی، ابوعمر و عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع، مصصح: اوتو برتزل، تهران: کتابفروشی جعفری تبریزی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
۱۴. الزرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، محقق: فواز احمد زمرلی، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۱۵. الزرقانی، محمد عبدالعظیم، ترجمه مناهل العرفان فی علوم القرآن، مترجم: محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
۱۶. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، محققان: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، جمال حمدی ذهبی و ابراهیم عبدالله کردی، بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۱۷. سیوطی، جلال الدین، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، تهران: امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۱۸. طاهری، حبیب الله، درس‌هایی از علوم قرآنی، قم: اسوه، ۱۳۷۷.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، به تحقیق: رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه: محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۲۱. صبحی صالح، پژوهش‌هایی درباره قرآن و وحی، محقق و مترجم: محمد مجتهد شبستری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
۲۲. عسقلانی، شهاب الدین بن حجر احمد بن محمد بن ابی بکر، لطائف الاشارات لفنون القراءات، محققان: عامر سید عثمان و عبدالصبور شاهین، قاهره: لجنه احیاء التراث الاسلامی، ۱۳۹۲ق/ ۱۹۷۲م.
۲۳. عظیم زاده، فائزه، و بی بی سادات رضی و اعظم پویا زاده، نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۸۰.

۲۴. عمر، مختار احمد و عبدالعال سالم مکرم، معجم القراءات القرآنیه، قاهره: عالم الکتب، چاپ سوم، ۱۹۹۷م.
۲۵. العوا، سلوی محمد، و حسین سیدی، بررسی زبان شناختی وجوه و نظایر در قرآن، مشهد: به نشر، ۱۳۸۲.
۲۶. فضلی، عبدالهادی، القراءات القرآنیه، ترجمه محمدباقر حجتی با عنوان: مقدمه‌ای بر تاریخ قراءات قرآن کریم، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۷۳.
۲۷. محیسن، محمد سالم، القرائات و أثرها فی علوم العربیة، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م.
۲۸. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ترجمه: ابومحمد وکیللی، تحت عنوان: آموزش علوم قرآن، بی‌جا: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۹. مودب، رضا، نزول قرآن و رؤیای هفت حرف، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.